

۱۹۹۷ آگست ۲۰

ببین بسیار عزیزم

سلام و درود بر هر دوستان بپرند

تا مدت‌ها رسیده و شادم کرد. و خوشی برای همه ما که توانستی دو عمل دوار را  
شما خانه تحمل کنی و رفتی به زندان‌ها را از سرگیری. هرگز نگوی آن لحظه  
تا ساخته می‌باشم می‌آید و منتظر نیایی. زیرا وقتی هم بردی، آن لحظه  
خواهد آمد. تو آمده‌ای به دنیا که در صحرای محشر بمانی. و آن وقت هم می‌آید  
را بخواب دید و شنید ۱۲ اطمینان دارم که در تاریخ ادبیات یا حتی خوابی ماند  
و اما سلاست را به دوستان مشترکمان رساندم همه سلام دارند و بروف «بوم»  
جمع می‌شود ما این خاطرات را یاد می‌کنیم

همی دایم "دلقه" را سر کتاب "زمین و زمان" در اورد ما تو دیگری مانده  
به دویم دو کوزه یک نظر داده‌ام که حال است

دو هفته است از خانه آمده دیری به کتبی تلخی کوچ کرده‌ام که خانه بسیار  
یا صفائی است. حالا یا بیع و پیمان هر دو یک جایستیم و هر نزدیک فرمان  
پیران در خانه دیگر است دستم شادم که هم در یک کتبیستیم به هر چه دور  
از وطن شادم که دیگر بریده‌اند

لحفا سلام بر ای آقای علی لاهیانی پیران همی دایم مرا یاد در از آن زمان

می‌بندیم بر سلام می‌رساند.

از نظر نظرات در باره تنظیم دراماتیک بمراسم و دستکم

در از روی تندری تو و امید دیدارت

قیامت ۵  
راه